بررسی اثر آموزش بسته‌ی توانمندسازی نوجوانان در پیشگیری از رفتارهای پرخطر در نوجوانان کار و خیابان

فاطمه آیت‌مهر*: کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران. ۰۹۱٤٤۰٥۸٦٤۳ fatemehmehrayat@gmail.com
محمد خالقی: دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه خوارزمی تهران، تهران، ایران.
شهرام محمدخانی: استادیار گروه روان‌شناسی بالینی دانشگاه خوارزمی تهران. mohammadkhani@tmu.ac.ir
حامد غیاثی: کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی ghiasi.hamed@yahoo.com

واژگان کلیدی

توانمندسازی

رفتارهای پرخطر

کودکان کار و خیابان

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر باهدف بررسی اثر آموزش بسته‌ی توانمندسازی نوجوانان در پیشگیری از رفتارهای پرخطر در نوجوانان کار و خیابان انجام شد.

روش: این پژوهش از نوع طرح‌های شبه آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون بود. جامعه‌ی‌آماری پژوهش شامل کلیه کودکان کار و خیابان ۱۳-۱۸ ساله شهر کرج بود که از آن میان با استفاده پرسشنامه‌ی عوامل محافظ و خطرساز نوجوانانی که در سازمان مردم‌نهاد (NGO) کیانا مشغول دریافت آموزش بودند و در معرض خطر جدی‌تری قرار داشتند، شناسایی شدند. پس از غربالگری حدود هفده دانش‌آموز برای شرکت در دوره‌ی آموزشی انتخاب شدند. به منظور اجرای پیش‌آزمون پرسشنامه رفتارهای پرخطر و پرسش نامه عوامل محافظت‌کننده و خطرساز توسط دانش‌آموزان شرکت‌کننده در دوره‌ی آموزشی تکمیل شد. این برنامه آموزشی شامل هشت موضوع است که در یازده جلسه‌ی نود دقیقه‌ای آموزش داده می‌شود. در پایان دوره‌ی آموزشی و همچنین سه ماه بعد از اتمام دوره شرکت‌کنندگان پرسشنامه رفتارهای پرخطر و پرسشنامه عوامل محافظت‌کننده و خطرساز را تکمیل کردند. به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از آزمون T استفاده شد.

نتایج: نتایج نشان می‌دهد که بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون و همچنین دوره‌ی پیگیری تفاوت معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که توانمندسازی نوجوانان در پیشگیری از رفتارهای پرخطر در نوجوانان کار و خیابان تأثیر دارد.

* نویسنده مسئول
نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۳۹٤/۰۳/۲۳

نحوه استناد به مقاله: فاطمه آیت‌مهر، محمد خالقی، شهرام محمدخانی و حامد غیاثی. بررسی اثر آموزش بسته‌ی توانمندسازی نوجوانان در پیشگیری از رفتارهای پرخطر در نوجوانان کار و خیابان. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹٤؛ ٤ (۱): ۲۳-۱٦

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]

The Efficacy of Education of Adolescent Empowerment in Prevention of Risky Behaviors in Child Labor

Fatemeh Ayatmehr*: M.Sc. in Clinical Psychology, Kharazmi University 09144058643 fatemehmehrayat@gmail.com

Mohammad Khaleghi: M.Sc. in Clinical Psychology, Kharazmi University

Shahram Mohammadkhani: Assistant Professor of Clinical Psychology, Kharazmi University mohammadkhani@tmu.ac.ir

Hamed Ghiasi: M.A. in Clinical Psychology Ghiasi.Hamed@yahoo.com

Abstract

Introduction: The aim of this study was to examine effect of education of adolescent empowerment in prevention of risky behaviors in child labor.

Methodology: This present research is a quasi-experimental with pretest post test design. Statistical population of this research include 13-18 years old child labor in city of Karaj. For this purpose students who were in Kiana institute examined with Risk and protective factors questionnaire and then those who were more at risk were identified. After screening, 17 students selected to attend the training course. To performing pretest, Risky behavior questionnaire & risk and protective factors questionnaire completed by the students. This course consists of 11 session of 90 minutes. At the end of the course as well as three months after the course the participants completed risk and protective factors questionnaire & risky behavior questionnaire. T test used to analyze the data.

Results: The results show the significant difference between pretest and posttest as well as follow up scores.

Conclusions: Based on the results of the research we can conclude that the empowerment of youth affected in prevention of risky behaviors in child labors.

Keywords

Empowerment

Risky Behaviors

Child Labor

*Corresponding Author

Study Type: Original
Received: 28 Feb 2015
Accepted: 13 Jun 2015

Please cite this article as follows: Ayatmehr F, Khaleghi M, Mohammadkhani S, and Ghiasi H. The Efficacy of Education of Adolescent Empowerment in Prevention of Risky Behaviors in Child Labor. Quarterly journal of social work. 2015; 4 (1); 16-23

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]

مقدمه

مصرف سیگار و سایر مواد غیرقانونی توسط نوجوانان یکی از مهم‌ترین چالش‌های بهداشتی و روانی در اکثر کشورهای جهان می‌باشد (هاوکینز و همکاران، ۱۹۹۲). مطالعات همه‌گیری‌شناسی در سال‌های اخیر حاکی از افزایش مصرف مواد در بین نوجوانان است (جانستون و همکاران، ۲۰۰۱؛ فرنس و همکاران، ۲۰۰۰). علاوه بر مصرف سیگار و مشروبات الکلی، مصرف داروهای کلوبی (مانند اکستازی، آل اس دی، شیشه و...) در سطح جهان افزایش یافته و به معضلی جهانی تبدیل‌شده است. این مواد اغلب توسط نوجوانان مصرف و منجر به افزایش سطح انرژی و حالت هوشیاری می‌گردد. بررسی‌های صورت گرفته در کشورهای مختلف حاکی از افزایش مرگ‌ومیر ناشی از مصرف مواد در بین نوجوانان می‌باشد (ویل کینز و همکاران، ۲۰۰۳). مسئله‌ی مصرف مواد نوجوانان در گروه‌های مختلف آمارهای متفاوتی را به خود اختصاص داده است و ازاین‌رو ممکن است توجه به گروه‌هایی خاص از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. به‌عنوان مثال کودکان کار و خیابان به دلیل ارتباطات نامناسب در سطح خیابان، عدم دریافت آموزش‌های مناسب از خانواده‌ها و مؤسسات رسمی و همچنین زندگی در محیط‌های پرخطر با احتمال بیشتری نسبت به جمعیت عادی نوجوانان گرایش به مصرف مواد و مشروبات الکلی دارند. کودکان کار و خیابان به دلیل فقر مالی خانواده ناچار به کار در خیابان، کارگاه‌ها یا منازل می‌باشند. این کودکان وقت زیادی را در خیابان زندگی یا سپری می‌کنند، درواقع خیابان منبع معاش این کودکان است و این کودکان به‌طور شایسته و مطلوب توسط بزرگ‌سالان نگهداری نمی‌شوند. بی‌خانمانی، کودکان را در معرض انواع کج روی‌ها و رفتارهای ضداجتماعی قرار می‌دهد (هانگ و همکاران، ۲۰۰۱). نیاز به حمایت‌های اجتماعی و عدم پاسخ به آن، فرد را مستعد بسیاری از مشکلات روانی اجتماعی و سوءمصرف مواد می‌نماید (کریگ و همکاران، ۲۰۰۱)، و همچنین بیش‌تر این کودکان در کشورهای درحال‌توسعه هستند، از همین رو این کودکان بیش از سایرین در معرض رفتارهای پرخطر می‌باشند. درباره‌ی اعتیاد در کودکان کار و خیابان گفته می‌شود که این کودکان به دلایل اقتصادی، اجتماعی و در بسیاری از موارد در دسترس بودن مواد، و ملیت افغان داشتن به سمت اعتیاد سوق می‌یابند و حضور در چنین محیط‌هایی احتمال گرایش افراد به رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد. در پژوهش خانی‌ها و همکاران (۲۰۰۲) که در مورد ۷۸ کودک خیابانی منطقه ۱۲ شهر تهران انجام گرفت، مشخص‌شده که ۱۶/۱ درصد کودکان مصرف سیگار و ۹/۱ درصد ایشان مصرف مواد مخدر داشته‌اند.

به نظر می‌رسد دسترسی به انواع مختلف مواد، خطر ابتلا به اعتیاد را در این کودکان افزایش می‌دهد. علاوه بر موارد مذکور مسائل فرهنگی، فقر اقتصادی، کم‌سوادی خانواده، مهاجرت، عدم دسترسی به خدمات حمایتی، در بروز اعتیاد در کودکان کار و خیابان تأثیرگذار است. عدم دسترسی به همه کودکان، عدم همکاری و توجه خود کودک، پائین بودن سطح تحصیل که آموزش‌ها را بسیار دشوار کرده است، عدم آشنایی کارشناسان با موضوع، زمان کوتاه ارتباط در مراکز پذیرنده کودک و عدم پذیرش وضعیت موجود از سوی خانواده، مدرسه و حتی خود کودک چالش‌هایی است که باید درزمینه‌ی اعتیاد در کودکان کار و خیابان مورد توجه قرار گیرد. با افزوده شدن تبعات ناشی از مصرف مواد به مشکلات جاری در زندگی کودکان کار و خیابان، عدم دسترسی به سیستم‌های درمانی و حمایتی مناسب و افزایش ابتلا به ایدز در نتیجه‌ی مصرف مواد، به نظر می‌رسد که بحران اعتیاد در این بخش از جامعه نقش اساسی‌تری ایفا می‌کند. ازاین‌رو آموزش‌های مستمر و فراگیر در سطح کودکان، خانواده، محیط اجتماعی و مسئولین مربوطه می‌تواند در شرایط کنونی مورد توجه قرار گیرد. متخصصان حوزه‌ی پیشگیری تأکید می‌کنند که برنامه‌های پیشگیرانه که قبل از سنین دبیرستان نوجوانان را آماج مداخله قرار می‌دهند در پیشگیری از مصرف مواد بسیار مؤثر خواهند بود (بوتوین، ۲۰۰۰). برنامه آموزش مهارت زندگی (LST) یک مداخله‌ی پیشگیرانه‌ی چند مولفه‌ای مبتنی بر رویکرد توانمندسازی روانی-اجتماعی است که بر آموزش مهارت‌های مقاومت در برابر مصرف مواد، در چهارچوب مدل آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی عمومی تأکید می‌کند. مطالعات متعددی به بررسی اثر آموزش مهارت‌ها بر کاهش رفتارهای پرخطر پرداخته‌اند. از آن جمله نتایج پژوهش محمدخانی و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد که آموزش مهارت‌های زندگی می‌تواند تغییر معناداری در عوامل خطرساز فردی نظیر خودپنداره، احساس کنترل‌درونی، مهارت‌های خودکنترلی، جرات‌مندی و نگرش نسبت به مواد ایجاد نماید. نوجوانانی که آموزش مهارت‌های زندگی را دریافت کرده بودند

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]

در مقایسه با نوجوانان گروه کنترل، در ارزیابی پس از مداخله تغییر معناداری در خود پنداره، مهارت‌های خودکنترلی، مهارت‌های اجتماعی، احساس کنترل درونی و نگرش منفی نسبت به مواد نشان دادند. همچنین آموزش مهارت‌های زندگی تمایل‌نوجوانان در معرض خطر به مصرف الکل، سیگار و سایر مواد را به‌طور معناداری کاهش داد. در پژوهشی دیگر آموزش مهارت‌های زندگی به‌عنوان یک رویکرد پیشگیرانه متمرکز بر فرد توانست در کوتاه‌مدت با ایجاد تغییر در متغیرهای میانجی (خودآگاهی و...) تمایل دانش‌آموزان به مصرف را ۷۵ درصد کاهش داده است همچنین نشان داده که آموزش فشرده و کوتاه‌مدت مهارت‌ها نتایج کوتاه‌مدت داشته و پایداری چندانی نخواهد داشت (موسوی، ۲۰۱۰). همچنین در مطالعه‌ای که به اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر نوجوانان جهت پیشگیری از آسیب اجتماعی انجام شد تجزیه وتحلیل نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های موردنظر باعث کاهش افکار خودکشی در نوجوانان دارای سابقه‌ی خودکشی می‌شود، اما در کاهش افکار فرار در نوجوانان دارای تجربه‌ی فرار مؤثر نمی‌باشد و همچنین آموزش مهارت‌های موردنظر بر کاهش خود پنداره‌ی منفی نوجوانان موردنظر مؤثر بوده است (رفاهی، ۲۰۰۹).

به‌طورکلی آموزش مهارت‌های زندگی در کوتاه‌مدت می‌تواند تغییر معناداری در عوامل میانجی مصرف مواد ایجاد نماید، ولی تغییرات پایدار در رفتار مصرف مستلزم زمان طولانی‌تر و تکرار و استمرار برنامه‌ی آموزشی است. این نتایج از رویکردهای نفوذ اجتماعی در پیشگیری از مصرف مواد حمایت کرده و به روشن‌سازی متغیرهای میانجی برنامه‌های پیشگیرانه کمک می‌کند. اگرچه مهارت‌های زندگی برای پیشگیری مستقیم از مصرف مواد آموزش داده می‌شود، ولی برای مقابله با بسیاری از چالش‌هایی که نوجوانان در زندگی روزمره با آن مواجه هستند، نیز کاربرد دارند. در پژوهش حاضر به کودکان کار و خیابان ۱۸- ۱۳ ساله آموزش‌های پیشگیری از رفتارهای پرخطر بر اساس یک بسته‌ی آموزشی مدون ارائه شد و اثر آن در کاهش اقدام به رفتارهای پرخطر موردمطالعه قرار گرفته است.

روش

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل نوجوانان کار و خیابان ۱۸- ۱۳ ساله شهر کرج بود، که از آن میان، نوجوانانی که در سازمان مردم‌نهاد (NGO) کیانا تحت آموزش بودند، موردبررسی قرار گرفتند و با استفاده از پرسشنامه‌ی عوامل محافظ و خطرساز، افرادی که در معرض خطر جدی‌تری قرار داشتند، شناسایی شدند. به‌منظور تعیین رفتارهای پرخطری که شرکت‌کنندگان در طرح پژوهشی مرتکب شده‌اند و همچنین تعیین خط‌پایه رفتارهای پرخطر، پرسشنامه رفتارهای پرخطر در میان کودکان غربالگری شده اجرا شد. پس از غربالگری حدود ۱۷ دانش‌آموز برای شرکت در دوره‌ی آموزشی انتخاب شدند و از این تعداد فقط ۱۱ نفر کل دوره را به پایان رساندند. یکی از دانش‌آموزان به دلیل ازدواج زودهنگام، سه نفر از آن‌ها به دلیل عدم موافقت خانواده برای حضور در مدرسه بعد از ساعت درسی، یک نفر به دلیل تغییر ساعت کاری و درنهایت آخرین فرد به دلیل منع خانواده برای حضور در موسسه (این دانش‌آموز بطور کلی موسسه را ترک نموده است) موفق به گذراندن دوره به‌صورت کامل نشدند. سایر دانش‌آموزان در تمام جلسات دوره بدون غیبت حضور داشتند.

ابزار- ابزارهای مورداستفاده در این پژوهش عبارت بودند از: **پرسشنامه عوامل خطرساز و محافظت‌کننده RAPQ**[1] **(محمدخانی، ۲۰۰۵؛ ۲۰۰۷):** این پرسشنامه، یک ابزار غربالگری در نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ سال می‌باشد و دارای ۱۱۰ گویه و ۱۸ خرده مقیاس است. این ابزار به‌منظور شناسایی عوامل خطر و محافظت‌کننده‌ی مصرف سیگار، مشروبات الکلی و سایر مواد تدوین و هنجاریابی شده است. RAPQ متغیرهای مرتبط با مصرف مواد را در چهار حیطه‌ی فردی، خانوادگی، مدرسه و اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. خرده مقیاس‌های حوزه فردی شامل نگرش نسبت به مواد، افسردگی، خود پنداره، جراتمندی، خوش‌بینی، خودکنترلی، کانون کنترل، هیجان طلبی و هنجارپذیری اجتماعی و خرده مقیاس‌های حوزه‌ی خانواده شامل پیوند با خانواده، نظارت خانواده، تعارضات خانوادگی و نگرش والدین نسبت به مواد و خرده مقیاس‌های حوزه‌ی اجتماعی شامل، وضعیت گروه دوستان، دسترسی پذیری ادراک شده و بی‌نظمی محیط اجتماعی و درنهایت دو خرده مقیاس مربوط به حوزه‌ی مدرسه احساس تعهد نسبت به مدرسه و فضای روانی- اجتماعی مدرسه است.

1 Risk and protective factors questionnaire

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]

در این مطالعه از این ابزار به‌عنوان شاخصی برای غربالگری استفاده شد. افراد نمونه براساس نمره‌ی کل این شاخص انتخاب شدند. همچنین زیر مقیاس‌های حوزه‌ی فردی–روان‌شناختی و مدرسه به‌عنوان شاخصی از اثرگذاری آموزش مورداستفاده قرار گرفتند. لازم به ذکر است که پایایی کلی این پرسشنامه ۰/۹۰ می‌باشد.

پرسشنامه رفتارهای پرخطر (RBQ[2]): به‌منظور تعیین خط پایه‌ی رفتارهای پرخطری که نوجوانان در گذشته مرتکب شده‌اند و به‌منظور ارزیابی سابقه‌ی مصرف مواد توسط پدر و مادر و بررسی وضعیت مصرف مواد نوجوانان از پرسشنامه‌ی رفتارهای پرخطر (محمدخانی، ۲۰۰۷)، استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۵۰ سؤال درباره‌ی رفتارهای پرخطر در حوزه‌های مختلف می‌باشد. رفتارهایی که در این پرسشنامه موردمطالعه قرار گرفت، شامل درگیری فیزیکی در مدرسه طی ۱۲ ماه گذشته، داشتن طرحی برای خودکشی طی ۱۲ ماه گذشته، مصرف سیگار طی یک ماه گذشته، مصرف قلیان طی یک ماه گذشته، مصرف قلیان طی ۱۲ ماه گذشته، رابطه‌ی دوستی با جنس مخالف در سن زیر ۱۱ سال و درنهایت داشتن رابطه‌ی دوستی با بیش از دو نفر از جنس مخالف می‌شد، محمدخانی (۲۰۰۷) در پژوهشی پایایی این پرسشنامه را ۰/۸۷ گزارش کرده است.

پس از انتخاب شرکت‌کنندگان بسته آموزشی توانمندسازی روانی–اجتماعی به دانش‌آموزان در معرض خطر ارائه گردید. برنامه توانمندسازی روانی– اجتماعی برای دانش‌آموزان در معرض خطر یک برنامه‌ی پیشگیرانه‌ی چند مولفه‌ای است که به‌منظور تقویت توانمندی‌های فردی و اجتماعی و بهبود عزت‌نفس دانش‌آموزان در معرض خطر طراحی‌شده است. این برنامه بر اساس عوامل خطرساز و محافظت‌کننده مصرف مواد در نوجوانان تدوین‌شده است. هدف اصلی برنامه‌ی مذکور ایجاد تغییر در سه حیطه‌ی دانش، نگرش و رفتار دانش‌آموزان است. این برنامه شامل ۸ موضوع است که در ۱۱ جلسه‌ی ۹۰ دقیقه‌ای آموزش داده می‌شود. موضوعات شامل ارزش سلامتی، تصمیم‌گیری سالم، خطرجویی و مصرف مواد، مقابله با استرس و هیجان‌های منفی، ارتباط مؤثر، روابط بین‌فردی سالم، فشار هم‌سالان و مهارت‌های امتناع، عزت‌نفس می‌باشد. هر واحد درسی دارای فعالیت‌های آموزشی مختلفی است که اهداف متفاوتی را دنبال می‌کند. راهنمای آموزش برنامه‌ی آموزش مهارت‌های زندگی، کاملاً ساخت‌یافته و برنامه‌ریزی شده است و نحوه‌ی اجرای فعالیت‌ها را به‌طور گام‌به‌گام آموزش می‌دهد. آموزش موضوعات، به شیوه‌ی تعاملی با استفاده از تکنیک‌های آموزش فعال مانند، بارش فکری، بحث گروهی، فعالیت گروهی، طرح سؤال، ایفای نقش و تمرین رفتاری صورت می‌پذیرد. اگرچه این برنامه از یک ساختار تعریف‌شده‌ای برخوردار است، بااین‌حال، مشاوران می‌توانند متناسب با نیازهای آموزشی دانش‌آموزان، سرعت و روند ارائه مطالب را تنظیم کنند. به‌عنوان مثال در شرایطی که زمان تعیین‌شده ۹۰ دقیقه‌ای برای انتقال یک مهارت به دلایل مختلف، مناسب نباشد، این امکان وجود دارد که یک مبحث در چند جلسه آموزش داده شود. آنچه مهم است حفظ توالی و آموزش کلیه مفاهیم و موضوعات مطرح‌شده در بسته آموزشی است. گروه هدف این بسته‌ی آموزشی دانش‌آموزان در معرض خطری هستند که در مدارس عادی مشغول به تحصیل می‌باشند، ازاین‌رو اجرای این بسته برای کودکان کار و خیابان، با توجه به اینکه نوجوانان ۱۳ تا ۱۸ سال کار و خیابان اغلب در دوره‌ی ابتدایی تحصیل می‌کردند و دختران و پسران از کلاس مشترکی استفاده می‌نمودند و همین امر آموزش را با دشواری مواجه می‌نمود، به ۱۸ جلسه افزایش یافت. در پایان دوره‌ی آموزشی و همچنین سه ماه بعد از اتمام دوره شرکت‌کنندگان پرسشنامه‌ی رفتارهای پرخطر و عوامل خطرساز و محافظت‌کننده را تکمیل کردند.

2 Risky Behavior Questionnaire

یافته‌ها

آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی از این قرار بود که از تعداد ۱۱ نفر شرکت‌کننده در این پژوهش تعداد ۵ نفر زن و ۶ نفر مرد بودند. در جدول شماره۱ فراوانی و درصد رفتارهای پرخطر شرکت‌کنندگان نشان داده شده است شرکت‌کنندگان در گروه سنی ۱۲– ۱۸ سال قرار داشتند و به‌منظور بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر کاهش رفتارهای پرخطر در نوجوانان کار و خیابان از آزمون T به شرح جدول ۲ استفاده شد.

اطلاعات موجود در جدول شماره ۲، میانگین، انحراف استاندارد و ارزش t را در پیش‌آزمون و پس‌آزمون مقیاس عوامل

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]

جدول(۱) فراوانی و درصد رفتارهای پرخطر شرکت‌کنندگان

متغیرها	فراوانی	درصد
۲ تا ۳ بار درگیری فیزیکی در مدرسه طی ۱۲ ماه گذشته	۵	۴۲
طرحی برای خودکشی طی ۱۲ ماه گذشته	۱۲	۱۰۰
۱ الی ۳ بار مصرف سیگار در یک ماه گذشته	۲	۱۷
۳ الی ۹ بار مصرف سیگار در یک ماه گذشته	۱	۸
۱ الی ۳ بار مصرف قلیان در یک ماه گذشته	۳	۲۵
۳ الی ۹ بار مصرف قلیان در یک ماه گذشته	۱	۸
۳ الی ۹ بار مصرف قلیان در ۱۲ ماه گذشته	۱	۸
دوستی با جنس مخالف زیر ۱۱ سال	۱۲	۱۰۰
دوستی با بیش از دو نفر از جنس مخالف	۶	۵۰

خطرساز و محافظت‌کننده نشان می‌دهد. همان‌طور که در این جدول نشان داده می‌شود میانگین نمرات زیرمقیاس حوزه‌ی فردی، خانواده، مدرسه و همچنین نمره کل مقیاس عوامل خطرساز و محافظت‌کننده در سطح ۰/۰۰۱ و حوزه اجتماعی در سطح ۰/۰۱ قبل و بعد از مداخله‌ی آموزشی متفاوت است که این نمرات معنادار است. با توجه به این‌که در این پژوهش، زیر مقیاس‌های حوزه‌ی مدرسه و حوزه‌ی فردی– روان‌شناختی به‌عنوان شاخصی از اثرگذاری آموزش مورد استفاده قرار گرفتند، مروری بر نتایج به‌دست‌آمده از اجرای این بسته آموزشی نیز نشان داد که مداخله آموزشی موردنظر مؤثر واقع‌شده است. جدول شماره ۳ نشان می‌دهد تفاوت میانگین نمرات پیش آزمون و پس آزمون زیرمقیاس‌های حوزه‌ی خانواده در سطح ۰/۰۰۱، حوزه‌ی فردی–روان‌شناختی و نمره کل مقیاس عوامل خطرساز و محافظت‌کننده در سطح ۰/۰۱ و پس‌آزمون و پیگیری بعد از گذشت سه ماه اتمام دوره، معنادار است، به این معنا که نتایج حاصل از مداخله آموزشی در این دو زیر مقیاس و مقیاس کلی نشان می دهد مداخله ثبات نداشته و به‌طور معناداری تغییر کرده است، اما میانگین نمرات در دو زیر مقیاس دیگر یعنی حوزه‌ی اجتماعی و مدرسه در پس‌آزمون و دوره‌ی پیگیری تفاوت معناداری ندارد. این امر نشان می‌دهد که در این دو زیر مقیاس، نتایج حاصل از مداخله‌ی صورت گرفته ثبات کافی را در طول سه ماه داشته است.

جدول(۲) نمرات مقیاس عوامل خطرساز و محافظت‌کننده در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیر	میانگین پیش‌آزمون	انحراف استاندارد	میانگین پس‌آزمون	انحراف استاندارد	ارزش T
حوزه فردی- روان‌شناختی	۱۵۷	۴۴/۷۵	۱۳۷	۳۵/۷۲	۷/۱۰***
حوزه خانواده	۵۸/۸۳	۱۵/۷۴	۵۳/۱۶	۱۳/۹۶	۵/۸۷***
حوزه اجتماعی	۳۷/۰۰	۱۴/۹۲	۳۲/۲۵	۱۱/۱۹	۳/۴۹**
حوزه مدرسه	۲۶/۰۰	۹/۷۵	۲۱/۰۸	۶/۳۳	۴/۳۲ ***
نمره کل شاخص عوامل خطرساز و محافظت‌کننده	۲۷۹	۸۱/۵۱	۲۴۳	۶۴/۰۹	۶/۴۳***

**P< ۰/۰۱ ***P< ۰/۰۰۱

جدول(۳) نمرات مقیاس عوامل خطرساز و محافظت‌کننده در پس‌آزمون و پیگیری

متغیر	میانگین پس‌آزمون	انحراف استاندارد	میانگین پیگیری	انحراف استاندارد	ارزش t
حوزه فردی- روان-شناختی	۱۳۷	۳۵/۷۲	۱۲۵	۲۸/۶۲	۴/۰۶**
حوزه خانواده	۵۳/۱۶	۱۳/۹۶	۴۷/۰۰	۱۳/۰۸	۸/۰۳***
حوزه اجتماعی	۳۲/۲۵	۱۱/۱۹	۳۰/۰۸	۸/۱۷	۲/۱۸
حوزه مدرسه	۲۱/۰۸	۶/۳۳	۱۹/۰۸	۳/۷۵	۲/۲۳
نمره کل شاخص عوامل خطرساز و محافظت‌کننده	۲۴۳	۶۴/۰۹	۲۲۱	۵۱/۶۴	۵/۴۳**

**P< ۰/۰۱ ***P< ۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد آموزش مهارت‌های زندگی به‌عنوان یک رویکرد پیشگیرانه متمرکز بر فرد به منظور توانمندسازی نوجوانان توانست تغییرات معناداری در میانگین نمرات شرکت‌کنندگان دوره ایجاد نماید. به‌طور کلی نمرات در حوزه‌های فردی، خانواده، اجتماعی و مدرسه و همچنین نمره کل مقیاس عوامل خطرساز و محافظت‌کننده در پس‌آزمون تغییرات معناداری داشته است. با توجه به این‌که دو زیر مقیاس فردی– روان‌شناختی و مدرسه شاخصی از اثرگذاری آموزش در نظر گرفته‌شده‌اند نتایج پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری نشان می‌دهد که مداخله آموزشی در هر دو مقیاس مؤثر بوده است اما نتایج تنها در مقیاس مدرسه در طول سه ماه ثبات داشته است درحالی‌که در مقیاس فردی– روان‌شناختی از ثبات کافی برخوردار نبوده است. بر این اساس، نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های قبلی که اثربخشی مهارت‌های زندگی را در کاهش رفتارهای پرخطر موردمطالعه قراردادند همسو است. به‌عنوان مثال نتایج پژوهش ونزل، و همکاران (۲۰۰۹) نشان داد که آموزش برنامه مهارت‌های زندگی در مدرسه نقش مهمی را در کاهش سوءمصرف مواد در اوایل نوجوانی و ثبات آن در یک دوره پیگیری بلندمدت داشته است که همسو با نتایج پژوهش حاضر می‌باشد. نتایج پژوهش رفاهی (۲۰۰۹) که به بررسی آموزش مهارت‌های زندگی به‌عنوان راهکار پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی پرداخته است نشان داد که آموزش مهارت‌های موردنظر باعث کاهش افکار خودکشی‌گرایانه در نوجوانان دارای سابقه‌ی خودکشی می‌شود، اما در کاهش افکار فرار در نوجوانان دارای تجربه‌ی فرار مؤثر نیست و همچنین آموزش مهارت‌های مورد نظر بر کاهش خود پنداره‌ی منفی در گروه نوجوانان موردنظر مؤثر بود. زارعی و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که آموزش مهارت خودآگاهی به کاهش رفتارهای پرخطر جنسی در بین معتادان منجر می‌شود. در مطالعه‌ای اجرای برنامه آموزش مهارت‌های زندگی، بر روی ۲۶ دانش‌آموز سال چهارم

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]

دبستان نشان دادتحت تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی، تغییر رو به کاهش نمره شاخص کل مشکلات بعد از مداخله معنی‌دار بوده است (عربگل و همکاران، ۲۰۰۵).

مطالعات انجام‌گرفته عوامل خطرساز و محافظت‌کننده‌ی متعددی را در سطوح اجتماعی مشخص کردند که ازجمله مهم‌ترین این عوامل می‌توان به مصرف مواد توسط دوستان، دسترسی‌پذیری مواد و بی‌نظمی اجتماعی اشاره کرد (رودس و همکاران، ۲۰۰۳؛ سیمونس، ۲۰۰۷). محیط‌های نابسامان نیز زمینه را برای گرایش افراد به سمت مصرف مواد فراهم می‌کند و منجر به افزایش رفتارهای انحرافی از قبیل مصرف الکل و مواد می‌گردند (سراج زاده و فیضی، ۲۰۰۷؛ مولوی و رسولی زاده، ۲۰۰۴). در توجیه ارتباط میان مصرف مواد توسط دوستان و مصرف مواد توسط فرد می‌توان گفت که دوستان مصرف‌کننده از یک‌سو دسترسی‌پذیری و فرصت مصرف مواد را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر، مواجهه با همسالانی که باورها، نگرش‌ها و رفتارهای مثبتی در ارتباط با مصرف مواد دارند، همانند محیطی مساعد عمل می‌کنند و فرد را به سمت مصرف مواد سوق می‌دهند دراین‌بین نقش متغیرهای فردی- روان‌شناختی می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. برخی از افراد برای مقابله با الزامات و خواسته‌های زندگی و فقدان مهارت‌هایی از قبیل تصمیم‌گیری و جراتمندی غالباً شیوه‌های حل‌مساله آنی را جستجو می‌کنند. گاهی به‌خصوص نوجوانان تحت تأثیر هم‌سالان و فشارهای واردشده از سوی محیط بدون تدبیر اقدام به انجام روش‌های ناسالم در برخورد با این موضوعات می‌کنند. بر همین اساس آموزش مهارت‌های زندگی و همین‌طور شیوه‌های مقابله با درخواست‌های نامعقول دوستان، آموزش جرات‌ورزی به‌منظور «نه» گفتن در مواقع لزوم در پیشگیری از مصرف مواد و سایر رفتارهای پرخطر مؤثر است. در این پژوهش علاوه بر پیگیری آثار کوتاه‌مدت مداخلات به بررسی آثار بلندمدت نیز پرداخته شد و پیگیری سه ماهه نیز صورت گرفت. نتایج حاصله از پژوهش نشان می‌دهد که در حوزه‌ی اجتماعی و مدرسه اثر مداخله آموزشی در دوره پیگیری حفظ‌شده و از ثبات کافی برخوردار بوده است. یافته‌های پژوهش تغییرات معناداری را در نمرات پس‌آزمون حوزه‌ی خانواده نشان می‌دهد اما از ثبات کافی در دوره‌ی پیگیری برخوردار نبوده است. در تبیین این یافته بسیاری از پژوهشگران (به‌عنوان‌مثال، دانسن و همکاران، ۱۹۹۶؛ به نقل از کالدول، ۲۰۱۰) خانواده را یک سیستم متکی‌به‌خود می‌دانند که دارای ارتباطات دوجانبه می‌باشد، ازاین‌رو تاریخچه‌ی خانوادگی و عادت مصرف والدین در آغاز، تداوم و الگوی مصرف نوجوان اثرگذار است. اکثر مطالعات تأیید می‌کنند که نظارت ضعیف والدین به‌ویژه در سنین پایین‌تر و سال‌های آغازین مصرف نقش عمده‌ای در گرایش نوجوان به مواد دارد (چیلکات و همکاران، ۱۹۹۶؛ استینبرگ و همکاران، ۱۹۹۴؛ به نقل از گریفین و همکاران، ۲۰۰۰). یادگیری مهارت‌های زندگی در چندین حوزه از قبیل حوزه‌ی فردی، خانواده، مدرسه اتفاق می‌افتد. در جامعه مدرنیته که نقش خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد آموزش کم‌رنگ شده است مدرسه می‌تواند عهده‌دار بخش عمده‌ای از آموزش مهارت‌های زندگی باشد. همان‌طور که نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد در دوره‌ی پس‌آزمون نمرات در حوزه‌های فردی، خانواده، اجتماعی و مدرسه تغییرات معناداری داشته است، اما این تغییرات تنها در حوزه‌ی مدرسه و اجتماعی از ثبات کافی برخوردار بوده است. در اغلب جوامع در مورد شیوه‌های درست زندگی مهارت‌های لازم را به افراد نمی‌آموزند (ناصری و همکاران، ۲۰۰۷). به نظر می‌رسد نقش عواملی از قبیل احساس تعهد نسبت به مدرسه، فضای روانی- اجتماعی مدرسه و آموزش جرات‌مندی و کسب این مهارت در ارتباط با هم‌سالان می‌تواند نقش مهمی داشته باشد. با توجه به اینکه گروه آزمایش پژوهش حاضر کودکان کار و خیابان بودند و این افراد بیشتر وقت خود را در خیابان و محل کار می‌گذرانند و عمدتاً از خانواده‌هایی با سطح اقتصادی- اجتماعی پائینی برخوردار هستند، مدرسه می‌تواند نقش عمده و تأثیرگذاری را در آموزش مهارت‌های زندگی این افراد داشته باشد.

تشکر و قدردانی

با تشکر از گروه فرهنگی اجتماعی کیانا و سرکار خانم سمیه خزایی مسئول واحد سلامت گروه فرهنگی اجتماعی

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]

کیانـا که امکانات و فضـای ضروری برای آموزش و نیز هم‌فکـری لازم برای اجرای این پژوهـش و کارکرده با کـودکان کار را فراهم کردند. هم‌چنین لازم اسـت از مسـاعدت‌های فکری آقای حمیدرضا طاهری نخسـت، مدیر برنامه کاهش تقاضای دفتر مقابله با مواد و جرم سازمان ملل متحد در ایران قدردانی کنیم.

منابع

References:

Ahmadkhaniha,. H. R., Torkamannehad, Sh., Hoseini Moghadam, M. M., (2002). Epidemiology of depression and sex abuse in homeless children. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology. 8(1): 14-20. [in Persian]

Arabgol. F., Mahmodi Gharaei, Javad., Hakimshoshtari, Mitra. (2005). The effect of life skills training on fourth year of primary school children. Advances in cognitive science. (3): 51-57. [in Persian]

Botvin, G. J. (2000). Preventing Alcohol and Tobacco Use Through Life Skills Training: Theory, Methods, and Empirical Findings. Alcohol Research & Health. Vol: 24, No: 4.

Caldwell, R. M. (2010). Substance Abuse, Familial Factors, and Mental Health: Exploring Racial and Ethnic Group Differences Among African American, Caucasian, and Hispanic Juvenile Offenders. The American Journal of Family Therapy, 38:310–321.

Craig, T.K., & Hodsom, S. (2000). Homeless youth in London: II. Accommodation, employment and health outcomes at 1 year. Psychology and Medicine, 30, 187-194.

Ferrence, R., Lothian, S. and Cape, D. (2000). Contemporary patterns of nicotine use in Canada and the United States. In R. S. Roberta, J., Room, R. and Poe, M. (Eds). Nicotine and Public Health. American Public Health Association, Washington, DC: 287.

Griffin, K. W., Botvin, G. J., Scheier, L. M., Diaz, T., & Miller, N. L. (2000). Parenting Practices as Predictors of Substance Use, Delinquency, and Aggression Among Urban Minority Youth: Moderating Effects of Family Structure and Gender. Psychology of Addictive Behaviors, 14(2): 174-184.

Huang, C. Y., & Menke, E.M. (2001). School-aged homeless sheltered children's stressors and coping behaviors.Journal of Pediatric Nursing, 16, 102-109.

Hawkins, J. D., Catalano,, R. F., and Miller, N. (1992). Risk and protective factors for alcohol and other drug problems in adolescence and early adulthood: Implications for substance abuse problems. Psychological Bulliten, 112, 64-105.

Johnston, L. D., O'Malley, P. M., & Bachman, J. G. (2001). The Monitoring the Future national survey results on adolescent drug use: Overview of key findings. National Institute on Drug Abuse

Mohammadkhani, Sh., (2007). The structural model of substance abuse in adolescent at risk: evaluation of direct and nonedirect of individual and social factors. Journal of rsearch in psychological health (2), 5-14. [in Persian]

Mohammadkhani, Sh., (2005). Construction and standardization of risk and protective factors questionnaire alcohol, tobacco and other substances to identify students at risk. Deal with the United Nations office on drugs and crime in Iran. [in persian]

Mohammadkhani, Sh., Jazayeri, A., Mohammadkhani, P., Rafiei, Hassan & Ghazi tabatabaei., M (2007). 14-Direct and nonedirect effect of attitude to substance use, individual and social center of control and abilities in substance use. Biannual journal of the Iranian psychological association, (3): 3-10. [in Persian]

Mosavi, M.S. (2010). The effectiveness of life skills training on reducing drug trends among students. Quarterly Journal of Research on Addiction. (13): 73- 87. [in Persian]

Moulavi, P., Rasoul Zadeh, B. (2004). A study of the factors of drug abuse tendency in the young people. Quarterly Journal of Fundamental of Mental Health, 6(21): 49-55. [in Persian]

Naseri, H., Nikparvar, R. (2007). Investigate the effectiveness of life skills training on mental health of students. 2nd National Congress of Students Mental Health. 38-42. [in Persian]

Refahi, j., life skills training a solution of adolescents social damages. (2009). Quarterly journal of new approaches in educational administration. (2): 131-146. [in Persian]

Rhodes, T., Lily, R., Reofernandez, C., Giorginom, E., Kemmesies, UE., Ossebaard, HC. (2003). Risk factors associated with drug use: the importance of risk environment. Drugs education prevention policy. 10(4): 303-29.

Seraj Zadeh, H., Feyzi, I. (2007). Social factors affecting opium and alcohol use among university students. Journal of Social Science. 31: 81-102.

Simons-Morton B. (2007). Social Influences on Adolescent Substance Use. Health Behavior. 31(6): 672-84.

Wilkins, C., Bhatta, K., Pledger, M., Casswell, S. (2003). Ecstasy use in New Zealand: findings from the 1998 and 2001 National Drug Surveys. New Zealand Medicine Journal, 116 -300.

Wenzel, V., Weichold, K., Silbereisen, R. K. (2009). The life skills program IPSY: Positive influences on school bonding and prevention of substance misuse. Journal of Adolescence. (32): 1391-1401.

Zarei. F., Khakbaz, H., Karami, H., (2010). The effectiveness of self-awareness skill on reducing risky behavior of relationship with opposite sex in addicts. Quarterly Journal of Research on Addiction. (15): 63-69. [in Persian]

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-10-11]